



مرکز تحقیقات اسلامی

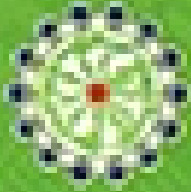
اصفهان

گامی

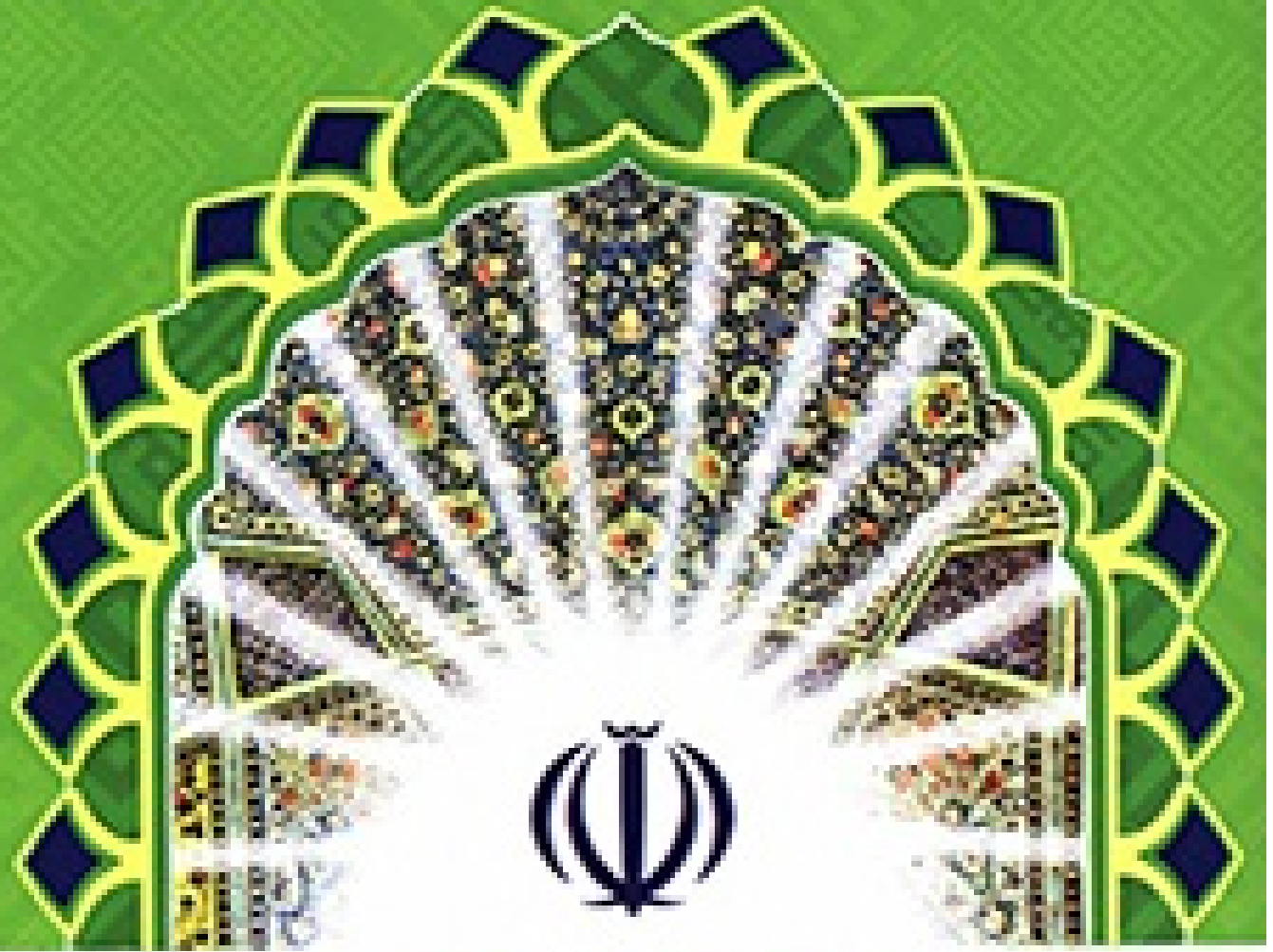


عمران

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



جمهوری اسلامی ایران



# در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۹

شفاعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شفاعت

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	شفاعت
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	سخن مجمع
۲۰	مقدمه
۲۸	مباحثی پیرامون شفاعت
۲۸	معنای شفاعت
۲۸	اقسام شفاعت
۲۸	۱- شفاعت باطل:
۳۰	۲- شفاعت شرعی و صحیح:
۳۶	شفیع کیست؟
۳۷	شفاعت کنندگان:
۳۷	اشاره
۳۸	۱- ملائکه:
۳۸	۲- گواهان حق:
۴۰	شفاعت شونندگان
۴۳	پاسخ به برخی شبهات
۴۳	اشاره
۴۴	شبهه اول:
۴۴	شبهه دوم:
۴۵	شبهه سوم:
۴۶	شبهه چهارم:
۴۶	شبهه پنجم:

۵۲ ..... چکیده بحث

۵۳ ..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهبهانی، عبدالکریم

عنوان قرارداد: الشفاعه . فارسی

عنوان و نام پدید آور: شفاعت [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ ترجمه محمد امینی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۵ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۹.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۹-۷

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: شفاعت (اسلام)

موضوع: شفاعت (اسلام) -- احادیث

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: امینی، محمد، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۲۲/۷/ب ۹ ش ۴۱ ۷۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۷۹۰۰

ص: ۱

اشاره





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



شفاعت

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی

ترجمه محمد امینی

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۵







«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیهم السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیهم السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با



محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱



وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیهم السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیهم السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران اُمّت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزّای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیهم السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیهم السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیهم السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیهم السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبْتِ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیهم السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

---

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیهم السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷



وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.  
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

### معنای شفاعت

مادّه «شَفَع» در سی جای قرآن کریم آمده است. با دقّت در این موارد، می توانیم با روشن بینی بهتری، مفهوم «شفاعت» را در قرآن کریم بررسی نماییم.

معنای آن در محاورات عامیانه و عرفی، این است که:

«شخصی نزد کسی دیگر برود؛ برای آنکه او در مورد حقی، یا حکمی که برای شخص سوّمی ثابت شده است، گذشت نماید». (۱)

بنابراین «شفاعت» در قرآن کریم بر دو قسم است.

### اقسام شفاعت

#### ۱- شفاعت باطل:

«شفاعت باطل» شفاعتی است که حاوی شرک است؛ مثلاً مشرکان در مورد بت می گویند:

... هُوَ لَاءُ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ... (۲)

«اینها شفیعان ما نزد خدا هستند».

ص: ۲۱

---

۱- (۱) - رک: شرح الازهار، أحمد المرتضى: ۴/۱.

۲- (۲) - یونس (۱۰): ۱۸.

باطل بودن این شفاعت ، روشن تر از آن است که احتیاج به توضیح داشته باشد؛ چرا که اینها:

أولاً: خودشان حقّ شفاعت را برای خودشان قایل شده اند.

و ثانیاً: معتقدند که بتها دارای فکر و اثر گذاری در خدای سبحان هستند. و گفتنی است که این دو دیدگاه، هر دو باطل است؛ زیرا:

أولاً: شفاعت خودش اقتضای این را دارد که شفیع، مورد قبول پذیرنده شفاعت باشد، پس چگونه بتها می توانند پیش خدا شفیع باشند؟

ثانیاً: شفیع ، هیچ قدرتی مستقل از قدرت خدای سبحان ندارد؛ بنابراین، فرض این که شفیع مؤثر در خدای متعال باشد، محال است؛ بنابراین، امور یاد شده اصلاً شفاعت نیست و تنها انبوهی از خیالات و وهمیات است.

قرآن کریم در پاسخ آن می فرماید:

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ . (۱)

«واز آن روزی بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود و نه غرامت از او قبول خواهد شد و نه یاری می شوند».

روشن تر از این آیه، آیه دیگری است که می فرماید:

ص: ۲۲

...لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيُّ وَلَا شَفِيعٌ... (۱)

«[روزی که در آن،] یاور و سرپرست و شفاعت کننده ای جز او (خدا) ندارند».

و نیز در آیه دیگری می فرماید:

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲)

«بگو: تمام شفاعت از آن خدا است [زیرا] حاکمیت آسمانها و زمین، از آن اوست».

پس سخن مشرکان در مورد شفاعت و شفاعت کنندگان، بی پایه و بدون سند است؛ چرا که شفاعت، رحمتی است که خداوند از طریق واسطه هایی که خودش بر می گزیند و تعیین می کند، بر بندگانش بخشیده است. «رحمت» نیز شامل مشرکان نمی شود. و شفاعت کنندگان، واسطه هایی هستند که خداوند آنان را تعیین فرموده است، نه آن که مشرکان آنان را برگزیده باشند.

شفاعت کننده، واسطه رحمت رسانی است، نه سبب آن، به خاطر همین دلایل، شفاعتی که منجر به شرک شود، باطل است.

## ۲- شفاعت شرعی و صحیح:

«شفاعت شرعی و صحیح» شفاعتی است که:

ص: ۲۳

---

۱- (۱) - انعام (۶): ۵۱.

۲- (۲) - زمر (۳۹): ۴۴.

أولاً: با اجازه خداوند باشد .

ثانياً: از طرف افرادی باشد که خداوند از آنان راضی است و آنان را برای شفاعت تعیین کرده است.

ثالثاً: این که برای افرادی شفاعت کنند که خداوند به شفاعت برای آنان راضی است.

در چند آیه، به شرط اول اشاره شده که از آن جمله است آیه:

...مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ... (۱)

«کیست که نزد او (خدا)، جز با اجازه او شفاعت کند؟»

این آیه خود بر شرط دوم هم دلالت دارد، زیرا اگر اجازه از طرف خدای سبحان صادر شود، اجازه برای شفاعت و شفاعت کننده نیز خواهد بود و این مطلب، به معنای رضایت خدای تعالی از شفاعت کننده است.

قرآن در مورد شرط سوم می فرماید:

...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى... (۲)

«و آنان جز برای کسی که خدا راضی [به شفاعت برای او] است شفاعت نمی کنند».

ص: ۲۴

---

۱- (۱) - بقره (۲): ۲۵۵.

۲- (۲) - انبیاء (۲۱): ۲۸.

از آن جا که قسم اوّل از شفاعت ، دارای این شرایط نیست؛ از این رو، مشرکان، خود را در روز قیامت بدون شفیع خواهند یافت و بطلان آن شفاعتی را که بدان معتقدند ، درک خواهند کرد. و با زبان خودشان خواهند گفت:

مَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ . (۱)

«شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارند».

ما اگر در قرآن کریم دقت کنیم، یک روشی شایع به هنگام تعبیر از جلوه های قدرت و کمال می بینیم که ابتدا به نفی، سپس اثبات و پس از آن، به فیض رسانی می پردازد .

برخی از آیات، این جلوه ها را از غیر خدا مردود می دانند و بعضی دیگر، آن را برای خداوند سبحان، اثبات می کنند و دسته ای دیگر از آیات، به اعطای این قابلیت از طرف خداوند، به برخی از مخلوقاتش، اشاره دارند.

قرآن کریم، این روش را - در هر سه مرحله - در مورد روزی، آفرینش، حاکمیت، مالکیت و جان گرفتن (مردن)، به کار برده است. این قانون در موضوع «شفاعت» هم جاری است .

آیاتی که شفاعت را از غیر خداوند مردود می دانند، مقصودشان منحصر دانستن کمال قدرت در خدا و نفی آن از غیر اوست .

ص: ۲۵



و آیاتی که شفاعت را برای خدا ثابت می دانند، مقصودشان این است که خدای متعال ذاتاً به این جلوه از جلوه های قدرت و رحمت، متّصف است.

و آیاتی که شفاعت را برای غیر از خدای متعال ثابت می دانند، هدفشان تأکید بر قدرت خداوند است، به این بیان که این قدرت در بالاترین مرحله اش وجود دارد به طوری که گاهی خدای متعال خود متولّی شفاعت است و گاهی آن را به عده ای از بندگان و دوستانش که از آنان راضی است واگذار می کند؛ یعنی در آن دخالت می کند و آن را از خودش به یکی از افرادی که خلقش کرده منتقل می سازد.

چه بسا یکی از اهداف این روش قرآنی، این باشد که بنده را براساس وابستگی به قدرت الهی و رحمت مطلقه ربّانی و غیر متّکی به عمل شایسته تنها، تربیت نماید؛ زیرا عمل در دادگاه عدل الهی، تنها در صورتی می تواند نجات دهنده باشد که مقتضی نجات باشد، حال آیا کسی می تواند ادّعا کند که با تکیه بر عملش، از رحمت خدای سبحان، بی نیاز است؟

قرآن کریم، به ما می فهماند که کارها از سلطنت و قدرت خداوند خارج نیست و بر تغییر ناپذیری حکم خود، سخن می گوید؛ مثلاً در آیاتی می فرماید:

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ \* خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ \* وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ . (۱)

«اما آنان که بدبخت شدند، در آتش اند؛ و برای آنان در آن جا، زفیر و شهیق (ناله های طولانی دم و باز دم) است. جاودانه در آن خواهند ماند تا آسمان و زمین بر پاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می دهد. اما آنان که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند تا آسمانها و زمین بر پاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی.»

باتوجه به این که خداوند متعال بر ماندگاری اشقیا در آتش و جاودانگی سعادتمندان در بهشت فرمان داده است - و این را همانند ماندگاری آسمان و زمین قرار داده است - ولی با این وضعیت، آن را به مشیت خویش منوط دانسته تا متوجه سازد که کارها از اختیار او خارج نیست، حتی آن کارهایی که حکم قطعی الهی در مورد آن صادر شده باشد.

پس هنگامی که حتی حکم قطعی خداوند، قدرت را از او بر نمی دارد و او را مجبور به چیزی نمی کند و چیزی را بر او واجب نمی گرداند، آیا

ص: ۲۷

کارهای ما می تواند قدرت را از خداوند سلب کند و نجاتمان از آتش دوزخ ، بر او واجب گرداند و او را به چیزی مجبور نماید؟

هنگامی که خدای سبحان ، بر قدرت مطلقه خود - حتی در موضوعاتی مثل شفاعت - تأکید می کند ، توجه ما را به آن قدرتی متوجه می سازد که هیچ چیزی آن را محدود و مقید نمی کند، هر چند دستور خودش باشد.

جا دارد اشاره کنیم که عمل انسان - هر چند عمل شایسته ای هم باشد - او را از رحمت خداوند بی نیاز نمی سازد و قدرت او را محدود نمی کند و اگر مشیت و خواست الهی ، برای جاودانگی و ماندگاری کسی که خدا به جاودانگی اش در بهشت، یا دوزخ حکم نموده شرط است، پس برای کسی که حکم الهی برای جاودانگی اش صادر نشده شرط بودن مشیت الهی، سزاواتر است.

«شفاعت» جز جلوه ای از جلوه های اراده الهی و رحمت مطلقه اش، چیز دیگری نیست. این مطلب ، سخن گزافی نیست بلکه بر اساس یک قانون مشخصی است؛ مثلاً کسی که می خواهد به مقام والای علمی برسد ، ناگزیر برخی مقدمات آن را باید فراهم کند و به مراتب نزدیک آن برسد، در این صورت، شفاعت، دارای معنای عاقلانه کمکی برای رسیدن به هدف خواهد بود، ولی کسی که هیچ مرتبه ای از مراتب آن را درک نکرده ، معنا ندارد که بخواهد از طریق شفاعت، بدان برسد.

و نیز کسی که اصلاً رابطه ای با شفاعت پذیر ندارد - مثل کسی که بر ارباب خود سرکشی کند - به شفاعت اربابش نمی رسد؛ چرا که

شفاعت تمام کننده و تکمیل کننده سبب است نه این که ایجاد سبب نماید.

همچنان که اثر گذاری شفیع نزد مولای خودش بیهوده نیست، او نیز این حق را ندارد که خواستار باطل شدن قوانین پاداش و کیفر، یا مولویت مولا در حقّ بندگانش باشد، همچنین نمی تواند از او بخواهد که از دستورات و تکالیفش دست بردارد بلکه شفیع باید از باب مولویت مولایش بر بندگان، تسلیم او و تسلیم قوانین و دستورات و پاداش و کیفر و ثواب او در حقّ بندگانش باشد.

شفیع، تنها می تواند به آن صفات مولا که موجب بخشش و گذشت اوست، متوسّل شود. همچنین می تواند به آن صفات بنده که نیاز او را به مهربانی و عطف می رساند مثل حسن سابقه و بدی حال و عذر خواهی اش استناد کند.

خلاصه این که: وظیفه شفیع، خارج کردن عبد، از محدوده مولویت مولا و دایره دستورات و کیفرهای او نیست بلکه وظیفه او این است که کوشش کند، بنده را از تحت یک فرمان مولوی، به یک فرمان مولوی دیگر، منتقل نماید.

### شفیع کیست؟

از توضیحات گذشته روشن شد که «شفاعت» از ویژگیهای مولویت است و شخصی که دارای این ویژگی است، می تواند در محدوده اجرای مولویتش شفاعت را به هر کسی که بخواهد، اعطا کند تا جلوه ای از رحمت و قدرت او باشد.

از آن جا که مولویت حقیقی در عالم وجود، تنها مولویت خدای سبحان است و مولویت‌های دیگر، اعتباری هستند؛ از این رو، شفاعت از حقایق ویژه حضرت حق جل و علاست.

قرآن کریم می فرماید:

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا... (۱)

«بگو: تمام شفاعت از آن خداست».

و جز این شفاعت، شفاعت‌های دیگر، شفاعت دروغ هستند؛ مثل سخن مشرکان که در این آیه شریفه آمده است :

...وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ... (۲)

«ومی گویند: اینان شفیعان ما نزد خدا هستند» .

اما شفاعتی که خداوند آن را اجازه فرموده است، در واقع از خود خدا ناشی می شود و به سوی او باز می گردد؛ مثل آیه شریفه:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا . (۳)

«آنان هرگز مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد».

## شفاعت کنندگان:

### اشاره

قرآن کریم با صراحت می فرماید که اجازه شفاعت تنها به چند گروه داده شده است؛ از آن جمله:

ص: ۳۰

۱- (۱) - زمر (۳۹): ۴۴.

۲- (۲) - یونس (۱۰): ۱۸.

۳- (۳) - مریم (۱۹): ۸۷.

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى (۱)

«و چه بسیار فرشتگان آسمان که شفاعت آنان سودی نمی بخشد، مگر پس از آن که خدا برای هر کس بخواهد وراضی باشد ، اجازه [شفاعت] دهد!»

## ۲- گواهان حق:

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ . (۲)

«کسانی را که غیر از او می خوانند، قادر بر شفاعت نیستند، مگر آنان که شهادت به حق داده اند و به خوبی آگاهند».

«گواهان حق»، همان طایفه ای از مؤمنان هستند که باید در مرتبه ای پایین تر از انبیا و بالاتر از دیگر افراد امت باشند . و شکی نیست که اهل بیت (علیهم السلام) از پیشگامان این گروه و بارزترین مصداق آنان هستند که به حق گواهی داده و بدان عمل کرده اند و به خاطر آن، جهاد نموده اند تا چه رسد به این که از کسانی باشند که قرآن کریم بر عصمت آنان تأکید نموده است. (۳)

ص: ۳۱

۱- (۱) - نجم (۵۳): ۲۶.

۲- (۲) - زخرف (۴۳): ۸۶.

۳- (۳) - احزاب (۳۳): ۳۳.

با مطالعه احادیث شریف نبوی، می بینیم که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) صریحاً فرموده اند:

«در روز قیامت، انبیا، سپس علماء سپس شهیدان، شفاعت می کنند».<sup>(۱)</sup>

و نیز می فرماید:

«شفاعت کنندگان، پنج گروه اند: قرآن و رَحْم و امانت و پیغمبر شما و اهل بیتش (علیهم السلام)».<sup>(۲)</sup>

خود محمد بن عبدالوہاب در کتاب کشف الشبهات - با استناد به احادیثی که بخاری و مسلم در صحیحشان و احمد در مسند <sup>(۳)</sup> آورده اند - می گوید:

«حق شفاعت به غیر نیز داده شده است؛ بنابراین، صحیح است که ملائکه شفاعت کنند و هم پیشگامان و اولیا هم شفاعت کنند».<sup>(۴)</sup>

ص: ۳۲

---

۱- (۱) - سنن ابن ماجه: ۲/ ۱۴۴۳، ح ۴۳۱۳.

۲- (۲) - کنز العمال: ۱/ ۳۹۰.

۳- (۳) - صحیح بخاری کتاب التوحید باب قوله تعالى: *وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ*، ح ۷۴۳۹. و نیز کتاب جنائز، باب «فضل من مات له ولد فاحتسب ح ۱۲۴۸؛ و مسند أحمد: ۳/ ۱۵۲؛ و صحیح مسلم، کتاب البر والصله والآداب ح ۲۶۳۲.

۴- (۴) - کشف الشبهات: ۷۰.

بین دانشمندان مسلمان بحث است که «شفاعت» شامل حال چه کسی خواهد شد؟

معتزله گفته اند :

«شفاعت پیامبر(صلی الله علیه و آله) شامل اطاعت کنندگان خواهد بود، تا این ، پاداش وزیادی رتبه ای برای آنان باشد و ممکن نیست که شامل حال گنهکاران شود؛ به دلیل آیاتی که دلالت دارند بر این که انسان ، مرهون عمل خودش هست و به دلیل این که شفاعت، گناهان را محو نمی کند. از ابی الحسن خیاط - یکی از بزرگان معتزله - نقل شده است که او در بحث با قایلان به شفاعت، به این آیه استناد می کرد:

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ; (۱)

«آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟»

شیخ مفید(رحمه الله)در پاسخ به آن ، گفته است :

«قایلان به شفاعت، ادعا نمی کنند پیامبر کسی است که مستحقین آتش را از آن نجات می دهد بلکه ادعا می کنند: آن

ص: ۳۳



خداست که آنان را به خاطر احترام به پیامبرش و پاکان از اهل بیتش (علیهم السلام) نجات می دهد». (۱)

عقیده بیشتر مسلمانان این است که شفاعت برای کنه‌گار مسلمین است، نه کافران و مشرکان؛ چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«شفاعتم را برای مرتکبان گناه کبیره از امتم ذخیره کرده ام». (۲)

علامه طباطبایی (رحمه الله) برای اثبات این نظریه در قرآن کریم، به آیات ذیل استناد کرده است:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ \* إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ \* فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ الْمُجْرِمِينَ \* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ \* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ \* وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَشْكِينِ \* وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ \* وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ \* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ \* فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (۳)

«[آری] هر کس در گرو اعمال خویش است، مگر اصحاب یمین [که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می دهند]. آنان در باغهای بهشت اند و سؤال می کنند از مجرمان: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می گویند: ما از نماز گزاران نبودیم و اطعام مستمند نمی کردیم و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم و همواره روز جزا را انکار می کردیم تا زمانی که مرگ ما فرا رسید، از این رو، شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنان سودی نمی بخشد».

ص: ۳۴

۱- (۱) - الفصول المختاره: ۷۸، چاپ دار المفید.

۲- (۲) - مجمع البیان: ۱/ ۱۰۴.

۳- (۳) - سوره مدثر (۷۴): ۴۸ - ۳۸.

علامه طباطبایی با استناد به این آیات می فرماید:

«این آیات فرق بین اصحاب یمین و گنهکار را تبیین فرموده و صفاتی را که گنهکار را به آتش می کشاند و منجر به عدم برخورداری آنها از شفاعت می گردد، یادآور شده است.

لازمه این توضیح واز باب مفهوم تقابل و تقارن و مقایسه ، این است که اصحاب یمین، کسانی هستند که به صفات یاد شده متصف نشده اند به شفاعت شفیعان رسیده اند. گویا این سرنوشت برای گنهکاران به دو سبب بوده است:

۱ - دست زدن به مخالفت اساسی در قالب دین.

۲ - ممنوع بودن شفاعت برای کسانی که دست به این گونه مخالفت زده اند.

از باب مفهوم تقابل می فهمیم که سرنوشت اصحاب یمین ، نتیجه بر طرف شدن این دو سبب است؛ آنها از جهتی به مخالفت اساسی، دست نزدند، تا از جهتی دیگر این که به همین دلیل آنها از جمله مشمولان شفاعت قرار گرفتند. گرچه ممکن است آنها دست به مخالفت‌های غیر اساسی زده باشند که در این صورت، معنای شفاعت مطابق آیه شریفه ای خواهد بود که می فرماید:

إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ... (۱).

«اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید، پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم».

ص: ۳۵

البته گناهان کوچک، با تکرار مداوم، تبدیل به گناهان کبیره می شوند، با این بیان، شفاعت برای اصحاب یمینی که مرتکب گناهان کبیره شده اند، ثابت می شود؛ از این رو، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

شفاعت من برای بجا آورندگان کبیره از امتم می باشد، اما بر نیکوکاران، راهی نیست. (۱)

با تطبیق این موضوع با آیه شریفه: وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى (۲) ثابت می شود که به نظر علامه طباطبائی، اصحاب یمین کسانی هستند که خدای سبحان، راضی به شفاعت آنان شده است ولی مراد از رضایتی که در آیه بیان شده رضایت از عمل نیست؛ چرا که برخی از اعمال شفاعت شوندگان، مورد قبول نیست، پس معنای آن باید رضایت از دین باشد؛ یعنی دین شفاعت شونده تمام شرایط اساسی و پسندیده را داراست.

### پاسخ به برخی شبهات

#### اشاره

با توجه به آنچه گذشت، حال می توانیم درباره «شفاعت»، به تعدادی از شبهات مطرح شده پاسخ گوئیم:

ص: ۳۶

---

۱- (۱) - تفسیر المیزان: ۱۷۰/۱ چاپ اعلمی - بیروت.

۲- (۲) - انبیاء (۲۱): ۲۸.

## شبهه اول:

مراد از «شفاعت»، کرنش خدای سبحان، در برابر آفریده ای از آفریدگان خودش می باشد!

پاسخ: آمرزش الهی چند سبب دارد، از آن جمله: دعا، توبه و شفاعت است، پس همان طور که قبولی دعا و توبه و تحقق آمرزش به سبب آن دو، به معنای کرنش خالق در برابر مخلوقات نیست بلکه معنای آن، رساندن رحمت الهی بر بندگان است، شفاعت نیز چنین است؛ یعنی خالق، رساندن رحمت بر بندگانش را وابسته به شفاعت دانسته است. هدف از این وابستگی، اثر تربیتی است که رابطه بین مردم، انبیا و اولیا را مستحکم کرده و بر جایگاه آنان به عنوان الگو و رهبر جامعه تأکید دارد.

از آن جا که خدای سبحان، خودش باب شفاعت را گشوده و شفاعت کنندگان را معین کرده و ویژگی و حال شفاعت شوندگان را تعریف نموده است؛ دیگر هیچ پایه و اساسی برای این اشکال و شبهه باقی نمی ماند.

## شبهه دوم:

لازمه «شفاعت» این است که شفیع، بیش از خداوند، نسبت به بندگان، رحمت و دلسوزی داشته باشد!

پاسخ: از مطالب گذشته روشن شد که «شفاعت» تصمیمی نیست که شفیع، بدون اراده الهی بدان اقدام نموده باشد بلکه تنها دری است

که خداوند، آن را گشوده و شرایط و افرادش را تعریف نموده است تا از گذرگاه شفیعان، رحمتش را بر بندگانش برساند، پس دلسوزی شفیعان، پرتوی از اشعه به عاریت گرفته شده آن خورشید نامتناهی است.

### شبهه سوم:

مقصود از «شفاعت»؛ یعنی وجود دو حکم مختلف در حق بنده است؛ یک حکم قبل از شفاعت که همان کیفر و عذاب می باشد و حکم بعد از شفاعت که آن رهایی از عذاب و رسیدن به نعمت الهی است. اگر حکم اولی با عدالت و حکمت سازگار باشد، در این صورت، شفاعت، مخالف با عدالت خواهد بود و اگر حکم دومی با عدالت و حکمت سازگار باشد، در این صورت، حکم اولی ظلم خواهد بود.

پاسخ: برای این حالت، نمونه هایی وجود دارد؛ یکی از نمونه هایش فرود آمدن بلا قبل از دعا، صدقه دادن و یا صله رحم است و بر طرف شدن بلا بعد از بجا آوردن دعا، پرداخت صدقه و یا انجام صله رحم است، همان طور که در فرود آمدن بلا، حکمتی هست، در برطرف شدن بلا نیز به وسیله اسباب فوق، حکمتی است.

در شفاعت هم مسأله این است؛ یعنی فرمان به کیفر، قبل از شفاعت، سازگار با عدل الهی و عمل بنده و استحقاق اوست و فرمان به رهایی از کیفر، بعد از شفاعت هم، با رحمت، و دلسوزی و مهربانی خداوند سازگار است.

#### شبهه چهارم:

و عده دادن به شفاعت باعث می شود که مردم در ارتکاب گناهان، بی باک باشند!

پاسخ: اگر این مطلب صحیح باشد، پس باید در توبه و رحمت الهی را بست و حال آن که حکمت الهی، می خواهد که درهای امید به روی بندگان گنهکار باز باشد تا آنان یک ارتباطی با او داشته باشند و قربانی یأس و نومیدی - که آنان را به سردرگمی و سقوط می کشاند - نشوند، ضمن آن که با تعریفی که از شفاعت کردیم - که به صورت مبهم و کلی و نیز به صورت تعلیق و ... است - هرگز انسان را به گناه ترغیب نمی کند.

#### شبهه پنجم:

آن شفاعتی جایز است که مؤمن دعا کند و بگوید: خدایا! پیامبر ما محمد (صلی الله علیه و آله) را برای ما در روز قیامت شفیع گردان، ولی جایز نیست که بگوید: ای رسول خدا! مرا در روز قیامت، شفاعت کن.

ص: ۳۹

ابن تیمیّه و محمد بن عبدالوّهّاب، این اشکال را خاطر نشان ساخته و استدلال کرده اند که: شکل دوّم از شرک در عبادت است، چرا که کاری شبیه کار بت پرستان انجام داده که می گفتند:

...هؤلاء شفعاؤنا عند الله... (۱)

«اینها شفیعان ما نزد خدا هستند».

و خداوند می فرماید:

...فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا . (۲)

«هیچ کس را با خدا نخوانید».

«شفاعت» به این معنا از قبیل شفاعت از غیر صاحبش می باشد؛ و نیز طلب شفاعت از مرده باطل است.

پاسخ: «شرک در عبادت» بر دو پایه استوار است :

الف: اعتقاد به تدبیر و آفرینش در مورد کسی که به عنوان معبود برگزیده شده است و یا اعتقاد به این که کارهای آفرینش و تکوین به او واگذار شده است .

ب: برای کسی که به عنوان معبود برگزیده شده است ، خضوع و تسلیمی در کار باشد که گویای پرستش آن معبود باشد.

در حالی که در شفاعت، نه اعتقادی به قدرت ذاتی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در تدبیر و آفرینش هست و نه اعتقادی به این که کارها

ص: ۴۰

---

۱- (۱) - یونس (۱۰): ۱۸.

۲- (۲) - جن (۷۲): ۱۸.

به آن حضرت واگذار شده است و برای آن حضرت، خضوع و تسلیم - به این معنا - وجود ندارد و تنها چیزی که هست این که مقام و منزلتی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعطا شده است تا این که شفیع امتش باشد.

آیه شریفه ای هم که در مورد این اشکال بدان استدلال کرده اند چنین می باشد :

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا... (۱).

در این آیه ، آن شفاعتی که شرک و باطل است، همراه با پرستش بت و شاخه ای از آن است، به همین دلیل بطلان آن اعلام شده است، ولی طلب شفاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه با عبادت نیست تا باطل باشد.

علاوه بر آن، قانون صحت و بطلان بر اساس مشابهت صوری نیست؛ زیرا اگر چنین بود ، پس باید سعی و طواف و امثال آنها نیز از جمله جلوه های شرک شمرده می شدند ؛ چون مشرکان هم این اعمال را انجام می دادند.

درباره آیه شریفه وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ (۲) گفتنی است که پاسخ ، همان جوابی است که برای آیه گذشته داده شد و آن این است که: این آیه موردی را شامل است که دعا به شکل عبادت باشد و دعا کننده پروردگار، یا معبودی را مخاطب قرار دهد؛ از این

ص: ۴۱

---

۱- (۱) - یونس (۱۰): ۱۸.

۲- (۲) - قصص (۲۸): ۸۸.



رو، آیه شریفه از عبادت غیر خدای سبحان - در باب دعا - باز می دارد و شامل هر درخواستی از هر درخواست شونده ای نمی شود. و اگر آیه به این معنا باشد، در این صورت، آیه از هر چیزی که موجب پایداری زندگی اجتماعی باشد (مثل تعاون که بدون آن نمی توان ثبات زندگی اجتماعی را فرض کرد) باز خواهد داشت. آیا عاقلانه است که شرع مقدس، درخواست مسلمانی از مسلمان دیگر را ممنوع سازد؟ و آیا این نوع از درخواست، درخواست از غیر خدا محسوب می شود؟!

ممکن است گفته شود که: شفاعت از این قبیل نیست بلکه کیفیت اشکال این است که: این گونه درخواست، طلب چیزی است که از ویژگیهای معبود است و آیه شریفه بازدارنده از هر نوع درخواستی نیست بلکه تنها باز دارنده از درخواستی است که از ویژگیهای معبود است و این نوع از درخواست، از نمونه های درخواست از غیر خداوند است .

در پاسخ، یاد آور می شویم که معنای «درخواست شفاعت از پیامبر(صلی الله علیه و آله)»، منطبق ساختن ویژگی الهی، بر آن حضرت نیست؛ تا از قبیل خواندن غیر خدای سبحان باشد بلکه در جای خود ثابت شد که خدای سبحان، به پیامبر(صلی الله علیه و آله) اجازه شفاعت داده است که برای ما نیز جایز است آن را از آن حضرت بخواهیم، همان گونه که نیازمندی خود را از هر کسی که توانایی بر آن کار داشته باشد، درخواست می کنیم و این طلب، درخواستی است که بر توحید و یگانه پرستی تأکید دارد و بوی شرک از آن به مشام نمی رسد؛ چرا

که در نهایت، به اجازه و فرمان الهی منتهی می گردد و خداوند تنها آن شفاعتی را باطل کرده که همراه با شرک باشد؛ مثلاً شفاعت مورد بحث در آیه شریفه وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ بِهِ اجازة و فرمان الهی منتهی نمی گردد، و خداوند برای شفاعت آنها اجازه نداده است و برای انسان نیز جایز نیست که شفیعانش را خود برگزیند و تنها این اجازه به او داده شده که شفاعت را از کسی درخواست کند که از طرف خداوند اجازه شفاعت داشته باشد و شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از این قبیل است.

امّا این که گفته اند: «درخواست شفاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) طلب شفاعت از کسی است که صاحب آن نیست»، پاسخ روشن شد که: صاحب اصلی وجود، خود خدای سبحان است و هر صاحب دیگری جز او به واسطه ملکیت اعتباری ظاهری، صاحب خواهد شد.

منظور از این اشکال، جایز نبودن درخواست چیزی از غیر مالک حقیقی است (که او خدای سبحان است). در این صورت، لازمه آن، تباه شدن زندگی اجتماعی است که بر پایه همکاری و داد و ستد و درخواست از کسی که به مالکیت اعتباری، آن را صاحب شده پایه گذاری گشته است.

پس درخواست شفاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) - با توجه به این که ثابت شد آن حضرت از طرف خدای سبحان برای شفاعت امتش اجازه دارد - یک نوع درخواست از مالک اعتباری اش می باشد، و اگر درخواست از مالکان اعتباری، باطل و شرک باشد، زندگی اجتماعی

از حرکت می ایستد؛ زیرا زندگی، جز به واسطه آنچه - به نظر برخی - شرک و باطل است، پا برجا نخواهد بود.

اما آخرین سخنشان که گفته اند: «درخواست شفاعت از میت باطل است و درخواست شفاعت از پیامبر(صلی الله علیه و آله) از این قبیل می باشد» سخنی بسیار سست است و این با عقیده کسی که به غیب ایمان دارد، تناسبی ندارد و تنها متناسب با کسی است که ماده را خلاصه وجود و آخرین تعریف آن می داند، در حالی که ما اعتقاد نداریم وقتی که کسی مرد و در قبر گذاشته شد و سنگ لحد را چیدند، همه چیز تمام شده باشد بلکه اعتقاد داریم که حقیقت انسان، وابسته به روح او است و جسم، نماد ماده این حقیقت است و مرگ، تنها جسم را در برمی گیرد و به این حقیقت نمی رسد. این مطلب، امری است که مربوط به همه انسانهاست، ولی روح انبیا و اولیای مقرب الهی، دارای مقام و جایگاه ویژه ای است که از حوصله فهم ما خارج است.

علاوه بر آن، ما از جسم، درخواست شفاعت نمی کنیم بلکه آن را از روحی می خواهیم که نمی میرد؛ از روح شخصیتی می خواهیم که اشرف انبیا و فرستادگان است. و اگر رابطه ما با پیامبر(صلی الله علیه و آله) رابطه با جسم میت باشد، پس سلام دادن ما در نمازهای پنجگانه بر آن حضرت و شهادت و گواهی پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای ما و اعمال ما، چه معنا خواهد داشت؟ در حالی که قرآن کریم به این حقایق تصریح نموده است.

«شفاعت» رحمتی است که خداوند، از مسیر واسطه‌هایی که خود، آنان را برگزیده و تعیین کرده است، به یکتاپرستان می‌رساند، همان گونه که قرآن کریم و نصوص سنت شریف پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدان تصریح نموده‌اند. و هیچ گونه شرکی در شفاعت وجود ندارد بلکه دلیل دیگری بر اراده مطلقه، قدرت بی انتها، رحمت فراگیر و لطف همگانی خداوند است و آن را برای افرادی که قابلیت آن را داشته باشند، مقرر فرموده است.

امید است مشمول عنایت خاصه شفیعان حقیقی در گاه الهی واقع گردیم و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

